



۵ امپراطور موج نوی سینمای فرانسه

موج نو

پس از مطرح شدن «تئوری مولف» در مجله «کایه دو سینما» دو تن از منتقدان جوان آن، ژان لوک گدار و «فرانسوا تروفو» همراه با شماری از همکارانشان به فیلم سازی روی آوردند، که نخستین فیلم هاییشان با «سینما - حقیقت» در بسیاری از مشخصه هاییش شریک بود: («سینما - حقیقت» جنبش سینمایی جدیدی بود که استفاده از یک دوربین روی دست سبک جدید و وسایل آسان حمل صدا را رواج داده بود و همین طور از فیلم های گنگستری در جه دو آمریکایی نیز تاثیر گرفته بودند. (البته از این فیلم ها حکایت فلسفی ظریفی ارائه دادند). آنان بسیاری از تکنیک های سخت فراموش شده را احیا کردند مانند استعاره های آیزنشتاینی، جامپ کات های عمدی، تغییر لحن های ناگهانی و تکنیک های اکسپر سیونیستی مونتاژی (شیوه عصبی تدوین، برای القای حالت نا آرام و عاصی دوران نوجوانی مناسب است) و خیلی زود توانستند سبک ویژه خود را تئوریزه کنند و از اینجا بود که این گروه فیلم سازان را «موج نو» نامیدند. در ادامه این مطلب به ۵ امپراطور موج نو در سینمای فرانسه و معرفی شاهکار های آن ها می پردازیم.

فرانسوا تروفو فیلمساز تهیدست

شاید در میان فیلمسازان بزرگ تاریخ سینما تنها بتوان اندره بازن را هم وزن «فرانسوا تروفو» به عنوان فیلمساز نظریه پرداز قرار داد. تروفو را بیش از فیلمساز بودن باید بنیانگذار سینمای موج نو فرانسه دانست. جفری مک نب به او لقب «سلطان موج نو» داده بود. فیلم سازی که عشق به سینما او را به رستگاری رساند. تروفو از کودکی علاقه بسیاری به سینما داشت و با وجود تنگدستی سعی می کرد به هر طریقی شده به سینما برود.

۲۰۰ فیلم نخست زندگی را با فرار از خانه، مدرسه و پرورشگاه و بدون آن که پولی پرداخت کرده باشد، دیده است. وی همچنین علاقه

زیادی به خواندن رمان داشت و به نقل از خودش در دوران مدرسه هفته ای سه کتاب یا رمان در خلوت و تنهایی می خوانده است. جالب اینکه او توانست در دوران مدرسه با پول هایی که با کار کردن در فروشگاه خواربار فروشی به دست می آورد فیلمی به نام Cercle cinemanie را در کلوب و در اکتبر ۱۹۴۸ میلادی بسازد و بدین ترتیب و به تدریج وارد عرصه سینما شود. ورودی که تا رسیدن به قله افتخار در سینما منتهی شد. چنانکه تروفو در ۱۹۵۹ میلادی برای فیلم چهار صد ضربه که یکی از سه فیلم نخست موج نوی فرانسه بود، موفق به کسب عنوان بهترین کارگردان جشنواره کن و در ۱۹۷۳ میلادی برای فیلم روز برای شب، نامزد جایزه اسکار



فرانسوا تروفو پیش از آنکه یک فیلمساز باشد یک منتقد و نظریه پرداز مولف و جریان ساز سینماست. خودش درباره اینکه آیا منتقد خوبی بوده یا نه می گوید: «چیزی که نسبت به آن مطمئن هستم این است که همیشه طرف کسانی بوده ام که هو شده اند و که دیگران را هو کرده اند و اینکه لذت من اغلب هنگامی شروع می شد که لذت دیگران تمام شده بود»

بهترین کارگردانی و برنده جایزه بافتا شد و در ۱۹۸۱ میلادی برای فیلم آخرین مترو جایزه سزار بهترین فیلم و کارگردانی را دریافت کرد. فرانسوا تروفو پیش از آنکه یک فیلمساز باشد یک منتقد و نظریه پرداز مولف و جریان ساز سینماست. خودش درباره اینکه آیا منتقد خوبی بوده یا نه می گوید: «چیزی که نسبت به آن مطمئن هستم این است که همیشه طرف کسانی بوده ام که هو شده اند و که دیگران را هو کرده اند و اینکه لذت من اغلب هنگامی شروع می شد که لذت دیگران تمام شده بود».

تروفو یکی از موفق ترین منتقدان و نویسندگان سینمایی در عرصه فیلم سازی بود که ثابت کرد منتقدان فیلمسازان شکسته خورده نیستند. او پیش از ورود به عرصه فیلم سازی، نویسنده، منتقد و نظریه پرداز نشریه معتبر کایه دو سینما بود. او با حمله به سینمای پاپا بزرگ ها (سینمای پیش از موج نو) و بعد با دوستان منتقد خود در کایه دو سینما موجی را در فیلم سازی راه انداخت که به موج نو معروف شد. او معتقد بود سینمای زمانه اش کهنه و پوسیده شده است و باید از تکنیک های روایی تازه و موضوعات نو تری حرف زد. در همین خصوص فرانسوا تروفو و ژان لوک گدار از فیلمسازان اصلی این جریان، ۲ فیلم چهار صد ضربه و از نفس افتاده را ساختند و قواعد عصیانگرانه موج نو را شکل دادند. تروفو در ۲۴ سالگی فیلم «چهار صد ضربه» را ساخت تا نبوغ خود را در عرصه فیلم سازی اثبات کند. فیلمی که فارغ از معرف بودن موج نو، یکی از بهترین آثار سینما